

همکاران ارجمند

مشتاقانه آماده انتشار دیدگاه‌ها، اخبار، مقاله‌ها،
یادداشت‌ها، عکس‌ها و به صورت کلی آثار شما
هستیم. ایمیل ارتباطی ما:

PR@blueandpgroup.com



گپ و گفت

با دکتر مهرداد مولوی
مدیرعامل هلدینگ بلواندپی کسب و کار

هرگز به مهاجرت فکر نمی‌کنم

هدایای مسابقه لبخند
آبی اهداء شد
معرفی و مرور کتاب: چرا
ملت‌ها شکست می‌خورند
داستان یک جایزه
درمورد عکاسی
پیش‌تر بدانیم
پادکست و
موسیقی

اخبار داخلی
گروه بلواندپی



به مناسبت بزرگداشت
چهاردهم تیرماه،
روز قلم



هدایای مسابقه لبخند آبی اهدا شد



به گزارش روابط عمومی گروه بلواندپی، در پی برگزاری مسابقه لبخند آبی در روزهای واپسین سال ۱۳۹۹، تعداد زیادی از همکاران عزیز و گرانقدر گروه بلواندپی با ارسال تصاویر و عکس‌های جذاب خود در این مسابقه شرکت کردند. بر اساس این گزارش پس از جمع‌آوری عکس‌های ارسالی در مهلت تعیین‌شده، عکس زیبای همکاران عزیزمان آقایان جلال و رامین محرمی به عنوان عکس برگزیده انتخاب و معرفی شد.

پس از انتخاب آقایان محرمی به عنوان برندگان مسابقه لبخند آبی، به پاس مشارکت و همراهی این عزیزان، دو کارت هدیه به ایشان تقدیم و از آن‌ها تقدیر شد.

آبی‌نامه ضمن تبریک به آقایان جلال و رامین محرمی، برای ایشان و شما همکاران گران‌قدر، آرزوی سلامتی، موفقیت و بهروزی دارد.

دانشمندان، تاریخ نوشتار را حداکثر بیست‌هزار سال پیش تخمین می‌زنند و اگر ما نگارش را کمی با نظام‌های نوشتاری مدون محدود کنیم، رقمی حدود شش‌هزار سال پیش به دست می‌آید. در طول تاریخ هرگز سلاحی با عمق و کارایی و تأثیر قلم، کشف نشده و با توجه به اهمیت بی‌بدیل قلم، در تقویم رسمی کشور ایران نیز، روز چهاردهم تیر، به عنوان نمادی برای تجلیل از صاحبان قلم و نویسندگان انتخاب شده است.

قلم، چه به صورت سنتی و چه در شکل‌های مدرن خود، همان ابزاری است که باعث می‌شود اندیشه‌های ناب انسانی، مرزها را درنوردد و هیچ مانعی نتواند از قدرت آن بکاهد. قرن‌هاست که نوشتار یکی از مهم‌ترین راه‌های گسترش معرفت و پرورش انسانیت شناخته می‌شود و نگارش، از کارآمدترین شیوه‌های تعمیق فرهنگ ناب انسانی به‌شمار می‌آید.



توجه به قلم، در سرزمین ما پیشینه‌ای دیرینه دارد. سده‌ها پیش، در ایران باستان، تیرگان (سیزدهم تیرماه) یکی از مهم‌ترین جشن‌ها به شمار می‌آمده و یکی از آئین‌های مخصوص جشن، پاسداشت قلم بوده است.

قلم، زبان عقل و معرفت و احساس انسان‌ها و بیان‌کننده اندیشه و شخصیت صاحب آن است. قلم، زبان دوم انسان‌هاست. هویت، چیستی و قلمرو قلم بسیار گسترده‌تر از آن است که در بیان بگنجد. هرگونه رشد و پیشرفت، پیروزی و آرامش و معرفت و شناخت، ریشه در قلم دارد و تمدن‌ها، تجربه‌های تلخ و شیرین و علوم با نوشتن ماندگار می‌شوند.

پس بیاییم با در دست گرفتن قلم، مهر بکاریم و آینده‌ای روشن و آرام و آزاد و پُر لبخند را به انتظار بنشینیم.

امیدواریم زندگی برای شما مفهوم سلامتی و زیبایی و موفقیت باشد. تبریک صمیمانه ما را برای زادروزتان پذیرا باشید.

همکاران متولد تیر

۱۳۶۰/۰۴/۱۹	سید علی امینی	۱۳۶۲/۰۴/۰۱	علی رضائی
۱۳۷۳/۰۴/۱۹	علی سلیمی	۱۳۵۸/۰۴/۰۱	نصیبه دلیر هروی
۱۳۳۹/۰۴/۲۰	سید زمان حسینی	۱۳۵۸/۰۴/۰۲	علی امینی فرد
۱۳۴۴/۰۴/۲۰	پرویز ترحمی	۱۳۵۶/۰۴/۰۴	غلامرضا رودباری
۱۳۷۳/۰۴/۲۰	رامین محمدی	۱۳۶۹/۰۴/۰۴	شیدا اردلان
۱۳۷۹/۰۴/۲۰	مازیار شهبازی	۱۳۶۸/۰۴/۰۸	زینب ابراهیمی
۱۳۴۳/۰۴/۲۱	ابوالفضل شریفی	۱۳۵۵/۰۴/۰۹	محسن پناهی مرفه
۱۳۷۴/۰۴/۲۱	مینا راد محتشم	۱۳۵۹/۰۴/۰۹	یاور محقق
۱۳۷۸/۰۴/۲۳	منصور محرمی	۱۳۵۴/۰۴/۱۱	بیبا علانی
۱۳۷۲/۰۴/۲۴	حمیدرضا جهانگیری	۱۳۶۵/۰۴/۱۴	فرزاد مرادی
۱۳۷۳/۰۴/۲۵	شاهین کریمی	۱۳۶۶/۰۴/۱۴	رضا نوری
۱۳۶۱/۰۴/۲۶	محمدامین نقی‌زاده	۱۳۳۹/۰۴/۱۶	پرویز قائم‌مقامی
۱۳۷۴/۰۴/۲۷	عادل گل‌امزاجردی	۱۳۵۹/۰۴/۱۷	مهدی صالحی
۱۳۶۵/۰۴/۳۰	امیر جمشیدی	۱۳۷۹/۰۴/۱۷	محمد یارمحمدی
۱۳۵۶/۰۴/۳۱	لیلا ملک‌لو	۱۳۶۸/۰۴/۱۸	علیرضا صادقی
۱۳۷۱/۰۴/۳۱	سید قاسم سیادتیان	۱۳۵۱/۰۴/۱۹	جلال محرمی



معرفی و مرور کتاب "چرا ملت‌ها شکست می‌خورند"

در این مورد است که آیا حاضرند برای حفظ سلطه، منافع عمومی را قربانی خود کنند؟

برای پاسخ به این سوال، این کتاب از نظریات اقتصادی دو مولف و ترکیب آن‌ها با تئوری‌های پیشین بهره می‌برد. تلاش این کتاب بر منطبق کردن تمامی اتفاقات سیاسی و اقتصادی با یک گزاره مشخص است: «هرگاه نهادهای سیاسی و اقتصادی یک کشور رویکردی استثماری نسبت به خود بگیرند، و فرصت ایجاد نهادهای فراگیر داده نشود، ملت‌ها شکست می‌خورند و با سبیری در جهان و بررسی نظام‌های کشورهایی مانند مکزیک، چین، کره جنوبی و کره شمالی، سعی در اثبات نظر خود دارند. «چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؟» در ۱۵ بخش مثال‌هایی را از شرایط متفاوت اقلیمی و تاریخی آورده و در تمام آن‌ها عوامل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی را حول محور اقتصاد، بررسی می‌کند.

بی‌شک با خواندن این کتاب بیش از هر چیز به مفهوم «جبر جغرافیایی» پی می‌بریم! اما فکر می‌کنم هدف نویسندگان این کتاب دقیقاً به همین سبیل می‌خورد؛ هدف، تغییر ایدئولوژی ملت‌ها نسبت به توانی است که در برابر تغییرات اساسی دارند. هر فصل از کتاب با تعیین نقطه‌ای از زمان و مکان که نمونه‌ای ویژه در مناسبات اقتصادی را پدید آورده، به بررسی عوامل و عللی می‌پردازد که در شکل‌گیری این شرایط سهیم بوده‌اند انتشارات روزنه این کتاب را در سال ۱۳۹۳ به چاپ رساند.

این کتاب دارای وبسایت رسمی است که می‌توانید به استفاده از آدرس whynationsfail.com به آن مراجعه بفرمایید.



سیاسی دارند. چنان که از عنوان مکمل کتاب هم پیداست، عواملی که در «متمرکز شدن قدرت در دست افرادی خاص، گستردگی فقر و شکل‌گیری قدرت‌های انفرادی» تاثیر داشته‌اند و دارند، در متن تاریخ و در سطح جوامع بررسی می‌شود. این کتاب اصل را بر این می‌گذارد که معیار رضایت مردم هر جامعه، رفاه اقتصادی است؛ و از این طریق، دیدگاهی اقتصادی به موفقیت یا شکست دولت‌مردان در جلب این رضایت از سوی ملت‌ها دارد. تبعیضی که نویسندگان این کتاب از آن حرف می‌زنند، سیستمی جهانی است که بیش از ۱٫۲ میلیارد انسان را در سراسر جهان، وادار کرده با درآمد روزانه ۱٫۲ دلار زندگی کنند. واضح است که جنبش‌هایی مثل اعتراض ۹۹ درصد همین نیاز را دنبال می‌کنند و از سمت دیگر، ایجاد یک رفاه عمومی برای قدرت‌مندان دنیا کار ساده‌ای است؛ مسئله تنها تصمیم آن‌ها

چرا بعضی از کشورها پیشرفته‌تر از کشورهای دیگر هستند؟ قضیه به آب و هوا برمی‌گردد؟ دین و مذهب؟ نظام سیاسی؟ یا عامل دیگری هست؟ این‌ها همه هست و تنها این نیست.

«چرا ملت‌ها شکست می‌خورند؛ ریشه‌های قدرت، فقر و ثروت» عنوان کتابی است که از تلاش مشترک «دارون عجم اوغلو» و «جیمز رایبسون» در سال ۲۰۱۲ پدید آمده‌است. تمرکز اصلی این کتاب بر پیچیدگی‌های اقتصادی است و همچنین تاثیر متقابلی را که عواملی مثل علوم اجتماعی، سیاسی و روان‌شناختی در برخورد با این پدیده به‌وجود می‌آورند، بررسی می‌کند. این کتاب با دیدگاهی اقتصادی-تحلیلی به مقایسه سطح رضایت مردم در کشورهای مرفه و جوامع فقیر می‌پردازد؛ هرچند دغدغه اصلی آن‌ها، تاثیری است که عوامل اقتصادی بر قدرت‌نمایی‌های ابرقدرت‌های دنیا و جنبش‌های



قوی کسی است
که نه منتظر می‌ماند خوشبختش کند
و نه به خودش اجازه‌ی بدبخت شدن می‌دهد
یادمان باشد
جسارتِ اعتراف به شکست
جسارتِ بیان عقیده و نظر
و شهامتِ پذیرفتن اشتباه‌ها و کسب تجربه از آن‌ها
مهم‌ترین ابزارهای رسیدن به موفقیت‌اند
مراقب داشته‌هامون باشیم

چند لحظه آرامش

کامران طالبی

اعتراف به شکست
اولین و عملی‌ترین قدم
در راه رسیدن به پیروزی است
درها برای کسانی باز خواهند شد
که جسارتِ در زدن داشته
و رنجِ پشتِ در ماندن را تحمل کرده باشند

هرگز به مهاجرت فکر نمی‌کنم

• خودتون رو معرفی کنید.

مهرداد مولوی هستم متولد ۲ فروردین ۱۳۴۰. در دوره لیسانس مترجمی زبان انگلیسی خوندم. زمانی که در شرکت صنایر بودم کارشناسی ارشدم رو در رشته زبان‌شناسی از دانشگاه تهران گرفتم. دوره تحصیلات تکمیلی و MBA رو در دانشگاه صنعتی شریف و DBA رو در شاخه بازاریابی در دانشگاه تهران گذروندم.

• در مورد سوابق شغلی‌تون و کارهایی که در طول این دوران انجام دادید، برامون بیشتر توضیح بدید.

من سال ۱۳۶۴ وارد بازار کار شدم، برای ورود به بازار کار به دلیل اینکه سربازی نرفته بودم، با بخش خرید خارجی صنایع دفاع شروع کردم. اون موقع جنگ بود به خاطر شرایط و تعهدم به کشور، حدود ۱۰ سال در صنایع دفاع بودم. سال ۷۴ شرکت صنایر ثبت شده بود و به دعوت مدیرعامل وقت، به این شرکت ملحق بشم. صنایر اون موقع ۴ یا ۵ نفر نیرو داشت که من کم‌کم شروع کردم با شرکت صنایر به مناقصه رفتن؛ البته دقیقاً حالتش این بود که از یک طرف میز به عنوان خریدار به طرف دیگر میز به عنوان فروشنده منتقل شده بودم و چه کار سختی بود. ما کم‌کم با صنایر رشد کردیم. تا ۸۳ من در صنایر بودم و در همین مدت در سفرهای مختلفی که برای کارهای مناقصات و قراردادهای داشتم و یک سالی هم مسئول دفتر صنایر در یمن بودم. برگشتم ایران که مصادف شده بود با رفتن مدیرعامل صنایر؛ منم از صنایر بیرون آمدم و به دعوت و محبت آقای مهندس محمد پارسا از سال ۸۴ به پارس تابلو پیوستم.

بخش خرید پروژه رو آن موقع استارت زدیم و آقای کیارش پارسا مسئول اون بخش بودند و کارهای خیلی خوبی هم کردیم. ایجاد این بخش بازرگانی برای خرید پروژه در پارس تابلو، کم‌کم منجر به تأسیس شرکت سودا آریای فعلی شد. ما در این بخش به‌طور تخصصی در زمینه خرید پروژه فعال بودیم و کارهای بازرگانی و لجستیک پروژه‌ها رو با هدف ایجاد شبکه در کشورهای مختلف و خریدهای با صرفه انجام می‌دادیم.

تا سال ۸۶ آقای پارسا به عنوان مدیرعامل صنایر انتخاب شدند که موقع رفتن به من گفتند با هم به صنایر بریم و من مجدداً به صنایر برگشتم.

آن موقع مدیر SBU توزیع صنایر بودم و پروژه‌های زیادی مثل پروژه سریلانکا، اتیوپی و عراق را داشتیم و حدود ۱۰ قرارداد از



فعالیت این شرکت به سال‌های خیلی قبل برمی‌گردد و چون در بحث ارائه خدمات هست، در هلدینگ خدمات و توسعه کسب‌وکار قرار گرفته است. به همین دلیل روی بحث‌های جدید کشاورزی کار می‌کنیم؛ مثلاً تولید علوفه از روش هیدروپونیک که کشاورزی بدون خاک در منطقه سمنان هست و بحث گیاهان دارویی که خیلی در موردش نظر داریم و احتمالاً جای کار خیلی زیادی خواهد داشت. زمینه دیگر فعالیت هلدینگ کسب و کار، زمینه سرمایه‌گذاری هست. ما شرکتی داریم به اسم عصر سرمایه‌داران پویا که در پیدا کردن فایننس‌ها، منابع مالی و خط دادن به شرکت‌ها برای اجرای مدل‌های مختلف مالی فعالیت می‌کند و پروژه EPCF یا EPC+F یا Project Financing کار می‌کند.

با روش‌های مختلفی ما کار می‌کنیم. به عنوان مثال یک پروژه داریم که به روش تهاثر عمل می‌کنیم. ما آمادگی این مسئله رو داریم که اگر کارفرما بودجه برای انجام کار رو ندارند، مذاکره می‌کنیم و اقلامی که خود کارفرما دارند مثل زمین یا توی پروژه‌هایی که دارند کار می‌کنند، ملکی می‌توانند بدهند. به این شکل بتونیم باهاشون تهاثر بکنیم؛ یعنی نمی‌خواهیم نداشتن نقدینگی کارفرما چه در داخل و چه خارج از کشور، بهانه‌ای باشه برای اینکه جنس یا خدمتی رو از ما نخرند.

این بحثی هست که کم فکر می‌کنم دنیا داره به سمتش میره و در حال رشد هست. بحث خدمات تهاثر آینده خوبی خواهد داشت. ضمن اینکه در حال بررسی بحث ارزهای دیجیتال هستیم تا ببینیم به چه روشی می‌تونیم تعاملات مالی رو انجام بدهیم. علاوه بر این‌ها، ما در شرکت‌های خودمون در اوایل این پاندمی کرونا یک زمینه کاری رو شروع کردیم و در شرکت توانا تونل‌های ضدعفونی‌کننده‌ای رو طراحی کردند؛ از بحث ضدعفونی دست گرفته تا کل تونل را طراحی کردند. چند تا نمونه ساختیم و به چند جا فروختیم؛ تا از طریق شرکتی در عمان تونستیم به چند کارفرما از جمله وزارت امور خارجه عمان این تونل ضدعفونی رو بفروشیم. تعدادی رو صادر کردیم و از سمت عمان هم داره به امارت و سایر کشورهای حاشیه خلیج فارس صادر میشه. سفارش جدیدی در دست مذاکره هست و در حال فروش تعداد ۱۰۰ عدد از این تونل‌ها به کشورهای حاشیه خلیج فارس هستیم.

• کلاً چند شرکت زیرمجموعه هلدینگ کسب‌وکار هست؟

۶ شرکت با حدود ۴۰ نیرو، زیرمجموعه هلدینگ کسب‌وکار هستند.

• چند مورد از فعالیت‌های شاخص کاری تون رو نام ببرید.

در طول سابقه کاری، علاوه بر فعالیت در شرکت‌ها، سال ۸۲-۸۳ که از صنایع بیرون آمدم کتابی رو با عنوان "صادرات گام‌به‌گام" نوشتم که اولین کتاب در زمینه صادرات به زبان فارسی هست. به واسطه آن من سمینارهای صادرات گام‌به‌گام رو طراحی کردم که با همکاری سازمان توسعه تجارت در خیلی جاها برگزار شد و بعد با همین اسم

سوریه گرفتیم. هنوز اوایل جنگ سوریه بود و برای همین قراردادهای من رفت و آمد زیادی به سوریه داشتم. قراردادهای شامل فروش تجهیزات که عمدتاً ترانس قدرت و تجهیزات پست بودند، می‌شد. طی همون سال آقای پارسا از صنایع بیرون آمدند ولی من موندم. در طول ۵-۶ سال در صنایع چند مدیرعامل عوض شد. تا سال ۹۷ من در صنایع به عنوان قائم‌مقام مدیر عامل بودم و بعد با محبت و دعوت آقای مهندس پویا من به گروه بلواندپی آمدم و در بحث توسعه کسب‌وکار، بازاریابی و مناقصات قبول مسئولیت کردم. به همین ترتیب آمدم تا قسمت‌های مختلف شکل گرفت؛ چارت‌های سازمانی مختلفی نوشته شد تا امروز که آخرین ورژنش هست و من در هلدینگ کسب‌وکار مشغول هستم. سعی می‌کنیم دپارتمان خرید پروژه رو اینجا احیا کنیم. دوستان تو این مدت خیلی زحمت کشیدند. کارهایی خیلی خوبی هم انجام شده و در نظر داریم این بحث رو گسترش بدیم که اگر بتونیم در بحث خرید پروژه یک مقدار متمرکز باشیم. در این هلدینگ سه یا چهار شرکت دیگر هم هستند. عمدتاً به تازگی ثبت شدند و به تازگی کارشون رو شروع کردند.

اولین شرکت سودا آریا هست که به عنوان اصلی ترین شرکت هلدینگ کسب و کار، با هدف ایجاد شبکه در کشورهای مختلف و خریدهای با صرفه مشغول به فعالیت است.

شرکت بیان به عنوان یکی دیگر از شرکت‌های هلدینگ کسب و کار در حوزه برندینگ فعال هست. از لحاظ ترکیب بسیار شرکت جالبی هست؛ مسئولیت مستقیمش با آقای مهندس قاسمی هست و در کنار ایشون تیمی از جوان‌های باهوش کارهای برندینگ رو انجام می‌دهند. استراتژی پیشرفت بیان این هست که به تمام شرکت‌هایی که این برندینگ رو لازم دارند، خدمت عمومی ارائه کند. در این مدت چندتا قرارداد با شرکت‌هایی خارج از گروه بلواندپی منعقد کردند. الان هم در بحث پتروشیمی و شرکت‌های بزرگی که در زمینه برندینگ یک مقداری کسر دارند، بازاریابی می‌کنیم.

یک قسمت دیگر شرکت آبیسان که در زمینه بازاریابی در حال فعال شدن هسته دلیل اینکه استراتژی این شرکت هم کمک به شرکت‌های ایرانی در بحث بازاریابی و پیدا کردن بازار در خارج از کشور هست، خیلی با طمأنینه عمل می‌کنیم. طی صحبت با چند مجموعه، متوجه شدیم که در بعضی شرکت‌ها بحث برندینگ و بازاریابی میتونه توأمان انجام بشه. با شرکت پتروشیمی روی بحث برندینگ و بازاریابی در حال مذاکره هستیم. در بحث لوازم خانگی هم چند شرکت مراجعه کردند و در بحث بازاریابی شون و پیدا کردن بازار در کشورهای خارجی صحبت کردیم. این زمینه، زمینه‌ای هست که بسیار میتونه قابل گسترش باشه و به دلیل نیاز شرکت‌های ایرانی به این بازاریابی، رشد خیلی خوبی می‌تونه داشته باشه.

یکی از شرکت‌های با سابقه هلدینگ کسب و کار، شرکت بهشت دماوند هست که در زمینه کشاورزی و دام‌پروری فعالیت می‌کند.

ادامه گپ‌وگفت

داستان یک جایزه*



سمانه شکوفه‌فر

هدیه دادن کتاب‌های مزین به دستخط و امضای مدیر عامل شرکت در مناسبت‌های گوناگون به کارکنان، نشان از ارزشمندی و اهمیت تمام همکاران دارد و باعث زنده کردن حس وفاداری در ایشان می‌شود. این نکته‌ی به ظاهر ساده در دل خود مفاهیم گسترده‌ای در بردارد.

شناخت من از شرکت BLUE&P به یک سال گذشته که همسر من در این شرکت مشغول به کار شده‌اند، برمی‌گردد. روزی که همسر من، آقای مقصد سخایی، ایمیل فراخوان مسابقه‌ی انتخاب شعار را برایم ارسال کرد و از من خواست تا نظرم را بگویم؛ تنها دلیلی که توانست مرا مجاب به شرکت در نظرسنجی کند، نگرش و دیدگاه مدیران مجموعه بود که حاکی از آشنایی و تسلط بر متد مدیریتی روز دنیا است.

پس از اندکی تحقیق در رابطه با گستره‌ی فعالیت‌های شرکت و همچنین با توجه به توضیحاتی که در مورد مشخصات شعار مناسب ارائه شده بود و الهام گرفتن از حرف p انتهای نام BLUE&P، به شعار "Positive Movement" رسیدم.

نکته‌ی جالب این داستان زمانی است که همسر من علت مشغله‌ی بسیار، ارسال نظر من و همچنین ایده‌های خودش را از یاد برد و من تصمیم گرفتم شخصاً برای شرکت در مسابقه ایمیل بزنم، این در حالی بود که ایشان از این قضیه اطلاعی نداشتند. پس از گذشت چند ماه که هر دو ما ماجرا را به دست فراموشی سپرده بودیم، روزی همسر من با تردید و ناباوری خبر از انتخاب شدن شعارم را داد. اینکه پس از بررسی در هیئت‌داوران ایده‌ام برتر شناخته شده بود بسیار برایم دلچسب و خوشایند بود.

در پایان، از تمام مدیران و تصمیم‌گیرندگان که با ایجاد فرصت‌هایی از این دست، مجالی را فراهم می‌نمایند تا همه اعضا امکان نظر دهی و مشارکت را داشته باشند، بسیار متشکر و سپاسگزارم.

با سپاس

* سرکار خانم سمانه شکوفه‌فر یکی از شرکت‌کنندگان مسابقه شعار بلواندپی هستند، که موفق به کسب رتبه برتر شده و مبلغ ۴۰ میلیون ریال جایزه دریافت کردند.

تو سازمان‌های مختلفی این دوره رو برگزار کردم. به جرئت می‌تونم بگم من خیلی‌ها رو هم شرکت‌ها و هم پرسنل رو صادرات‌چی کردم. برای خیلی شرکت‌ها استراتژی صادرات و Business Plan و Export Plan نوشتم و خیلی از شرکت‌هایی که الان جرئت می‌کنند خودشون در بازارهای بین‌المللی کار کنند و مذاکره کنند، کسانی هستند که توی سمینارهای من بودند. من خیلی خوشحالم حداقل به اندازه نقطه‌ای، در کارهایی که دارند می‌کنند سهیم هستم.

• کمی از خانواده‌تون برای ما بگید؟

متاهل هستم. دو فرزند دارم یک دختر و یک پسر که هر دو در این مجموعه مشغول به کار هستند.

• آیا تا به حال به فکر مهاجرت افتادید؟

قاطعانه جواب منفی ست. به دلیل اینکه من در قبل از انقلاب ۵۶ دیپلم گرفتم و برای ادامه تحصیل به آمریکا رفتم. حدوداً دو سال آنجا بودم و بعد از انقلاب برگشتم. دلیل برگشتنم هم یک مقدار زیادی نگاه غیرقابل تحمل آمریکایی‌ها به خودم بود که من این نگاه رو نمی‌پسندم.



• اهل ورزش هستید؟

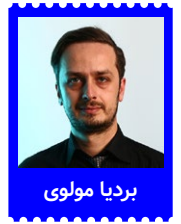
بله زیاد. فوتبال رو به صورت حرفه‌ای بازی کردم و سابقه حضور در تیم دانشگاه رو دارم. پینگ‌پنگ بازی کردم و عضو تیم ملی دانشجویان بودم

• طرفدار چه تیمی هستید؟

من پرسپولیسی‌ام

• به عنوان سخن پایانی، یک شعر ما رو مهمون کنید.

زندگی صحنه‌ی یکتای هنرمندی ماست
هر کسی نغمه‌ی خود خواند و از صحنه رود
صحنه پیوسته به جاست
خرم آن نغمه که مردم بسپارند به یاد



بردیا مولوی

در مورد عکاسی بیش‌تر بدانیم



نخستین عکس ثبت‌شده‌ی جهان توسط ژوزف نیسه‌فور نیپس در سال ۱۸۲۶ میلادی که اصطبل و کبوترخانه نام دارد.

فوتبال رو از نزدیک ببین ولی شانس با من یار بود و من این ۶ بازی گروهی مرحله مقدماتی آسیا رو، پشت دروازه بودم و عکاسی می‌کردم. دیدن بازیکن‌ها از این فاصله نزدیک حس متفاوتی داره و لذت بخشه. از بحث اصلی دور نشیم. اون روز پرسپولیس با بنیادکار ازبکستان بازی داشت و ۹۵ هزار نفر در ورزشگاه آزادی حضور پیدا کرده و همه منتظر برد پرسپولیس و صعود به دور بعد بودند. من هم پشت دروازه بنیادکار مثل بقیه عکاس‌ها، عکاسی می‌کردم و همزمان از عکس‌ها و بازی لذت می‌بردم. درسته که پرسپولیس باخت ولی عکس‌های خوبی از اون بازی برام باقی مونده که در ادامه تعدادی از عکس‌ها رو می‌تونید ببینید.

میلادی توسط مخترع فرانسوی، ژوزف نیسه‌فور نیپس تولید شد و پس از آن توانست عکسی دائمی از طبیعت به نام اصطبل و کبوترخانه را خلق کند. او با همکاری لوئی داگر، آزمایش‌هایی را بر ترکیبات نقره براساس یافته‌های یوهان هاینریش شولتز انجام دادند و داگر در سال ۱۸۳۷ توانست روش داگرنوتایپ را اختراع کند. تئوری عکس رنگی سه‌رنگ، توسط جیمز کلرک ماکسول در سال ۱۸۵۵ پیشنهاد شده بود. برپایه نظریه او، نور مرئی از سه رنگ اساسی قرمز، سبز و آبی، تشکیل شده‌است. پس فیلمی از سه لایه ساخت که هر لایه آن نسبت به یکی از سه رنگ‌های اولیه حساس بود و توانست نخستین عکس‌رنگی را در سال ۱۸۶۱ به ثبت برساند.

عکاسی در لغت به معنای روش عکاسی و عکسبرداری است و هم‌چنین به عمل و شغل عکاس نیز گفته می‌شود. این هنر در اکثر زبان‌های جهان فتوگرافی خوانده می‌شود که ترکیبی از دو کلمه یونانی فتو به معنی نور و گرافی به معنی ثبت یا نگارش است. بنابراین، فتوگرافی به معنای نقش کردن با نور است. عکاسی یعنی ثبت و ایجاد یک تصویر؛ که در دو مرحله انجام می‌شود: نخست، به‌دست‌آوردن تصویر به وسیله دوربین و ثبت آن روی نگاتیو (فیلم) یا گیرنده تصویر الکترونیکی و دوم، ظاهر کردن تصویر مخفی حاصل از دوربین عکاسی و پایدارکردن آن. در این فرایند، دریافت و ثبت نور بر روی یک سطح حساس به نور، مانند نگاتیو یا گیرنده تصویر، باعث می‌شود الگوهای نوری بازتابیده شده یا ساطع شده از اشیاء بر روی سطح حساس به نور (نقره کلرید یا گیرنده) تأثیر گذارد و باعث ثبت تصاویر گردد.

تجربه حرفه‌ای عکاسی من

حدود ۲۰ سالی هست که عکاسی می‌کنم و از خیلی شهرها، کشورها و مراسم‌ها عکاسی کردم. بهترین خاطره من از این مدتی که عکاسی می‌کنم برمی‌گردد به سال ۱۳۸۸ که عکاس رسمی باشگاه پرسپولیس بودم و اون سال یعنی سال ۲۰۰۹ پرسپولیس در جام باشگاه‌های آسیا حضور داشت و من در تمامی تمرینات و بازی‌های این تیم بودم و از نزدیک عکاسی می‌کردم. همه فوتبال دیدن رو دوست دارن. ولی من همیشه دوست داشتم فوتبال رو از خیلی نزدیک‌تر، یعنی کنار زمین ببینم. دوستانی که به استادیوم رفتن می‌دونن چه حس خوبییه که

عکاسی دارای جنبه‌هایی همچون علمی، صنعتی، هنری، خبر، مستند و ... است؛ به‌عنوان یک پدیده علمی متولد شد، به‌شکل یک صنعت گسترش یافت و به‌عنوان هنر تثبیت شد عکاسی توسط یک فرد کشف و تکمیل نشده‌است، بلکه نتیجه تلاش بسیاری از افراد در زمینه‌های مختلف و اکتشافات و نوآوری‌های آنان در طول تاریخ است و سال‌ها قبل از اختراع عکاسی، اساس کار دوربین عکاسی وجود داشته‌است اما اولین تصویر لیتوگرافی نوری در سال ۱۸۲۲



عکس‌های بردیا مولوی از بازی پرسپولیس - بنیادکار (سال ۲۰۰۹) که به‌صورت اختصاصی و اولین‌بار در آبی‌نامه منتشر می‌شود.

زیرنظر شورای سردبیری: کامران طالبی، حامد قاسمی
همکاران این شماره: مهرداد مولوی، سحر فریدی مهر،
فریماه قاجار، سمانه شکوفه فر
گرافیک و صفحه‌آرایی: عیسی مقدم
عکس و امور چاپ: پردیا مولوی



PODCAST

<https://b2n.ir/y03857>

پیشنهاد پادکست

نقطه. سرخط
آداب خردمندی



MUSIC

<https://b2n.ir/a52031>

پیشنهاد موسیقی



«سلطان قلب‌ها» ترانه‌ای فارسی است که با خوانندگی عارف و آهنگسازی انوشیروان روحانی و ترانه‌سرایی محمدعلی شیرازی ساخته شد. قطعه انتخابی ما آهنگی از «آمال مثلوثی» خواننده تونسی است که به روی ملودی زیبای سلطان قلب‌ها اجرا شده است.

شاعرانه

باید زیست

زندگی با ماجراهای فراوانش
ظاهری دارد به سان بیشه‌ای بغرنج و درهم باف
ماجرها گونه‌گون و رنگ‌وارنگ‌ست
چیست اما ساده‌تر از این، که در باطن
تار و پود هیچی و پوچی هم آهنگ است؟
من بگویم، یا تو می‌گویی
هیچ جز این نیست؟
تو بگویی یا نگویی، نشنود او جز صدای خویش
هی فلانی! زندگی شاید همین باشد
یک فریب ساده و کوچک
آن هم از دست عزیزی که تو دنیا را
جز برای او و جز با او نمی‌خواهی
من گمانم زندگی باید همین باشد
من که باور کرده‌ام، باید همین باشد
هی فلانی! شاتقی بی شک تو حق داری
راست می‌گویی، بگو آنها که می‌گفتی
باز آگام کن از آنها که آگاهی
از فریب، از زندگی، از عشق
هر چه می‌خواهی بگو، از هر چه می‌خواهی
هر چه خواهی کن، تو خود دانی
گر عبت، یا هر چه باشد چند و چون
این است و جز این نیست
مرگ گوید: هوم! چه بیهوده!
زندگی می‌گوید: اما باز باید زیست
باید زیست
باید زیست

استاد مهدی اخوان ثالث

اخبار را دنبال نکنید! *

* منتخبی برگرفته از کتاب "اخبار را دنبال نکنید" اثر رالف دالبی



مهرداد مولوی



تکنیکال، روانشناسی و ... را به اتمام رسانده بودید و اطلاعات کلانی در این زمینه‌ها کسب کرده بودید. با این حال شما دوست دارید به جای کار سخت و دشوار مطالعه متون تخصصی مرتبط با زمینه کاری خود، وقت خود را صرف اخبار کوتاه و داستان‌های تلخ و شیرین مرتبط با بازار کنید.

با یک محاسبه سرانگشتی اگر روزانه به شصت عنوان خبری گوش داده باشید، احتمالاً در طول دوازده ماه گذشته حدود بیست‌هزار خبری را بلعیده‌اید.

با خودتان صادق باشید! آیا یکی از آن خبرها توانسته است به شما کمک کند تا تصمیم بهتری برای زندگی، خانواده، شغل، حال خوب یا کسب و کارتان بگیرید؟ تصمیمی که اگر اخبار نبود نمی‌توانستید بگیرید؟ هیچ کدام از دوستانم از بیست هزار عنوان خبری نتوانستند بیشتر از دو نمونه عنوان کنند. این رقم بسیار پایینی است.

تصور کنید که در یک سال گذشته به جای پرسه زدن مداوم در شبکه‌های اجتماعی و پیگیری اخبار مثبت و منفی که بی‌وقفه تولید می‌شوند، کتاب می‌خوانید. مطمئناً تاکنون چندین کتاب در زمینه بازار، حسابداری، تحلیل بنیادی، تحلیل

تماشا | اجاره‌نشین‌ها

• کارتون‌نویست: نازنین جمشیدی



این چاره‌ها
همه‌فرتی‌ها
نفره‌ست
هت‌سده‌ها...

این‌ها چاره‌های
روشنه‌وستی
بایوره‌ست
خرضیان...

بازتون
بیاردم
تقویا
خوبه...

ایسه
بازتون
بیاردم
تقویا
خوبه...

ایسه
بازتون
بیاردم
تقویا
خوبه...